

جمعیت و رفاه؛

ذهنیت‌ها و واقعیت‌ها

www.ketab.ir

مسعود عالمی نیسی

استادیار دانشگاه علامه طباطبائی (ره)

سرشناسه	: عالمی، مسعود، ۱۳۵۶ - Massud Alemi
عنوان و نام پدید آور	: جمعیت و رفاه؛ ذهنیت‌ها و واقعیت‌ها/ مسعود عالمی نیسی؛ به سفارش مرکز همکاری‌های تحول و پیشرفت ریاست جمهوری؛ مجری انتشار بنیاد توسعه فردا.
مشخصات نشر	: تهران: تینای طهرانی، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	: ۲۴۹ ص.: جدول، نمودار؛ ۲۲ × ۲۹ س.م.
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۹۸۰۹۹-۳-۸ : ۵۰۰۰۰۰ ریال
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۲۳۵ - ۲۴۹.
موضوع	: جمعیت — جنبه‌های اقتصادی
موضوع	: Population -- Economic aspects
موضوع	: جمعیت — ازدیاد — جنبه‌های اجتماعی
موضوع	: Overpopulation -- Social aspects
موضوع	: جمعیت — ازدیاد — جنبه‌های اقتصادی
موضوع	: Overpopulation -- Economic aspects
موضوع	: رفاه اجتماعی
موضوع	: Public welfare
موضوع	: سیاست جمعیت
موضوع	: Population policy
شناسه افزوده	: ایران. ریاست جمهوری. مرکز همکاری‌های تحول و پیشرفت
شناسه افزوده	: بنیاد تدبیرگران توسعه فردا
رده بندی کنگره	: HB۸۴۹/۴۱
رده بندی دیویی	: ۳۰۴/۶
شماره کتابشناسی ملی	: ۸۶۸۶۲۷۲
وضعیت رکورد	: فیبا

مشخصات کتاب

عنوان:	جمعیت و رفاه؛ ذهنیت‌ها و واقعیت‌ها
نویسنده:	مسعود عالمی نیسی
به سفارش:	مرکز همکاری‌های تحول و پیشرفت ریاست جمهوری
مجری انتشار:	بنیاد توسعه فردا
طراح جلد:	مهدی جان‌زاری
صفحه‌آرایی و امور فنی:	علیرضا فولادگر
نوبت چاپ:	اول، پاییز ۱۴۰۰
انتشارات:	تینای طهرانی
شابک	۹۷۸-۶۲۲-۹۸۰۹۹-۳-۸
شمارگان:	۱۰۰۰ نسخه
قیمت:	۵۰,۰۰۰ تومان

فهرست

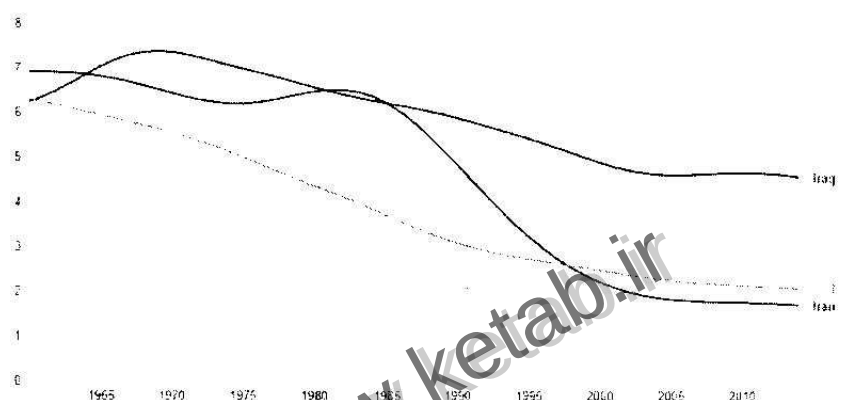
صفحه	عنوان
۸	پیشگفتار
۱۳	فصل اول: جمعیت و اقتصاد؛ آیا افزایش جمعیت موجب فقر کشورها می‌شود؟
۱۵	پرسش تحقیق
۱۵	مبانی نظری
۱۶	رویکرد بدبینانه
۱۶	رویکرد خوشبینانه
۱۸	رویکرد خنثی
۱۹	پیشینه تحقیق
۲۱	تعریف مفاهیم و فرضیه‌های تحقیق
۲۳	روش تحقیق
۲۳	یافته‌های پژوهش
۳۱	جمع‌بندی و نتیجه‌گیری
۳۳	فصل دوم: بیکاری نسلی؛ آیا نسل‌های پرجمعیت تر بیکاری بیشتری دارند؟
۳۵	مقدمه و بیان مسأله
۳۶	رویکردهای نظری
۳۸	دیدگاه اول؛ افزایش جمعیت نسل موجب افزایش بیکاری می‌شود
۳۹	دیدگاه دوم؛ افزایش جمعیت نسل موجب افزایش بیکاری نمی‌شود
۴۲	روش تحقیق
۴۳	یافته‌های پژوهش
۴۴	الف- یافته‌های مطالعات موردی کشورها
۴۸	ب- مطالعات کشورهای OECD
۴۹	ج- مطالعات جهانی
۵۲	بحث و نتیجه‌گیری
۵۵	فصل سوم: تعداد فرزندان و فقر خانوار
۵۷	مقدمه و بیان مسأله
۵۸	هدف تحقیق
۵۸	پیشینه پژوهش

۵۸	چهارچوب نظری
۶۱	فرضیه‌های تحقیق
۶۱	روش پژوهش
۶۳	واکاوی تحقیقات تجربی
۶۳	الف) تحقیقات مبتنی بر نظریه‌های ایستا
۶۳	الف-۱) تحقیقاتی که خانواده بزرگتر را فقیرتر می‌دانند
۶۷	الف-۲) تحقیقاتی که بیان می‌دارند که خانواده بزرگتر فقیرتر نیست
۷۵	ب) تحقیقات مبتنی بر نظریه‌های پویا
۷۸	یافته‌های پژوهش
۸۰	بحث و نتیجه‌گیری
۸۵	فصل چهارم: تعداد فرزند و موفقیت حرفه‌ای زنان
۸۷	مقدمه و بیان مسئله
۸۸	روشناسی پژوهش
۹۰	رویکردهای مختلف تأثیر خانواده در شغل زنان
۹۵	یافته‌های تحقیق
۹۵	تحقیقات تجربی منفی
۹۸	تحقیقات تجربی مثبت
۱۰۳	تحقیقات تجربی مکانیسم‌های تأثیر مثبت یا منفی
۱۰۸	سیاست‌های پیشنهادی تحقیقات گوناگون
۱۱۰	بحث و نتیجه‌گیری
۱۱۵	فصل پنجم: سن ازدواج و موفقیت حرفه‌ای زنان
۱۱۷	مسأله تحقیق
۱۱۷	پرسش تحقیق
۱۱۸	روش تحقیق
۱۲۰	رویکردهای نظری
۱۲۰	رویکرد مطلق؛ با افزایش سن ازدواج موفقیت شغلی افزایش پیدا می‌کند
۱۲۵	رویکرد نسبی؛ نظریه‌های متغیرهای واسطه
۱۲۷	جمع‌بندی رویکردهای نظری
۱۲۸	یافته‌های تحقیقات
۱۲۸	سن ازدواج و موفقیت شغلی رابطه مثبت دارند
۱۲۹	رابط سن ازدواج و موفقیت شغلی تحت تأثیر عوامل ثالث

۱۲۹	الف) تأثیر دوره‌های زندگی
۱۳۷	ب) تأثیر ساختار اقتصادی-اجتماعی
۱۳۹	بحث و نتیجه‌گیری
۱۴۳	فصل ششم: بعد خانوار و موفقیت تحصیلی فرزندان
۱۴۵	طرح مسأله
۱۴۶	پرسش تحقیق
۱۴۶	هدف تحقیق
۱۴۷	روش تحقیق
۱۴۷	بررسی رابطه موفقیت تحصیلی و بعد خانوار
۱۴۷	رابطه منفی موفقیت تحصیلی و بعد خانوار
۱۵۰	موفقیت تحصیلی و بعد خانوار رابطه ندارند
۱۵۶	مطالعات تجربی در ایران
۱۵۶	نتیجه‌گیری
۱۶۱	فصل هفتم: تعداد فرزند و رضایت از زندگی والدین
۱۶۳	مسأله تحقیق
۱۶۳	پرسش تحقیق
۱۶۴	هدف تحقیق
۱۶۴	روش تحقیق
۱۶۶	رویکردهای نظری و فرضیه پژوهش
۱۶۷	الف) نظریه‌های منفی و خنثی
۱۶۸	ب) نظریه‌های مثبت
۱۷۱	ج) نظریه‌های عوامل واسطه
۱۷۳	یافته‌های تحقیقات
۱۷۴	فرزند و رضایت کلی زندگی
۱۷۴	الف) تحقیقات منفی
۱۷۵	ب) تحقیقات خنثی
۱۷۶	ج) تحقیقات مثبت
۱۸۰	فرزند، تأمین انواع نیازها و رضایت زندگی
۱۸۴	عوامل واسطه
۱۸۴	الف) دوره زندگی؛ سن والدین و فرزندان
۱۸۷	ب) ساختار اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور محل سکونت

پیشگفتار

ایران چند سالی است که در زمینه جمعیت دچار مسأله شده است. نرخ باروری در ایران از سال ۱۳۷۹ (۲۰۰۱ میلادی)، به زیر نرخ جانشینی (۲,۱) رفت و طبق آخرین آمار منتشر شده مربوط به سال ۱۳۹۲، ۱,۷۱ فرزند به ازای هر زن است. ایران از ۲۲۳ کشور رتبه ۱۴۷ را در نرخ جانشینی دارد و نسبت به کشورهای همسایه مانند ترکیه (۲,۰۷) و عراق (۴,۵۷) پایین‌تر است (World Bank).



شکل ۱- نرخ باروری ایران، ترکیه و عراق از گذشته تاکنون

این موضوع طی سال‌های آینده کشور را به سمت سالمندی خواهد برد. میانگین سنی جمعیت ایران در سال ۱۳۲۸ معادل ۲۲ سال بود، در سال ۱۳۹۳ به ۳۰ سال رسید و بر اساس پیش‌بینی سازمان ملل طی ۳۵ سال آینده به ۴۴,۸ خواهد رسید. این در حالی است که هم‌اکنون میانگین سنی ده کشور پیر جهان، معادل ۴۴,۸ است (United Nations, World Population Prospects: The ۲۰۱۵ Revision, Volume II: Demographic Profiles, ۲۰۱۵).

مجموعه‌ای از سیاست‌های جمعیتی، فرهنگی و اقتصادی، از دهه ۱۳۷۰ به این‌طرف، مسأله جمعیت را به وضعیت فعلی رسانده است. تصمیم به فرزندآوری از سوی خانواده‌ها نیازمند دو شرط است: الف) زن و مرد امکاناتش را داشته باشند ب) آن‌ها فرزند بیش‌تر بخواهند. وضعیت کلان کنونی جامعه از حیث اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی هر دو شرط را تحت تأثیر قرار داده است. از حیث امکانات افزایش بی‌کاری مانع تشکیل خانواده و فرزندآوری شده است. افزایش هزینه‌های مسکن، آموزش، بهداشت و درمان، حمل و نقل و دیگر هزینه‌های زندگی نسبت به درآمدها مانع از فرزندآوری بیش‌تر توسط خانواده‌ها شده است. آپارتمان‌های کوچک ۴۰ و ۵۰ متری به ویژه در شهرهای بزرگ و نامناسب بودن خدمات شهری برای استفاده خانواده‌های با فرزند بیش‌تر از دیگر علل پرهیز از فرزندآوری است. از حیث شرط دوم یعنی خواستن، شاهد آن هستیم که حتی خانواده‌های برخوردار از درآمد و امکانات مناسب، از فرزند بیش‌تر دوری می‌کنند. این موضوع به تغییرات فرهنگی برمی‌گردد. باورهای مردم در خصوص فرزند نسبت به دهه‌های گذشته تغییر کرده است. فرزند قبلاً مایه برکت خانه شمرده می‌شد، اما اکنون مرد و زن فرزند را مانع موفقیت حرفه‌ای خود می‌دانند. قبلاً این‌گونه می‌اندیشیدند که فرزند رزق و روزیش همراهش

بود، اما اکنون فرزند بیش‌تر را مساوی فقر بیش‌تر می‌دانند و نگران هزینه‌های او هستند. قبلاً مادر شدن آرزوی هر زن بود و برای او مایهٔ آرامش و مباحثات بود و اکنون زنان، کامیابی خود را در موفقیت حرفه‌ای جستجو می‌کنند. وجود این باورها، باعث می‌شود بسیاری از خانواده‌های جدید خود را به یک فرزند محدود کنند؛ حتی اگر امکاناتش را داشته باشند.

هر دو شرط برای افزایش فرزندآوری ضروری هستند و شرط لازم و کافی می‌باشند. اما نکته تمرکز این کتاب روی باورهای فرهنگی است. دلایل خود را در ادامه خواهیم گفت.

دلیل اول؛ فرزندآوری اساساً موضوعی است که نمی‌توان مردم را به آن مجبور کرد. با وجود آن‌که امکانات، شرط لازم برای فرزندآوری می‌باشد، اما تا زمانی که زن و شوهر تصمیم نگیرند و نخواهند، بچه‌دار نمی‌شوند. برخی از رفتارهای مردم را می‌توان با دست‌کاری نسبت هزینه به فایده، تغییر داد؛ مانند صرفه‌جویی در مصرف سوخت با افزایش قیمت و سهمیه‌بندی آن یا استفاده از کمربند ایمنی از طریق بالا بردن جریمه. اما در زمینهٔ فرزندآوری به دو دلیل نمی‌توان با تغییر نسبت فایده به هزینه زن و شوهرها را به آوردن بچه وادار کرد، مگر آن‌که خود بخواهند:

۱. فرایند فرزندآوری از خصوصی‌ترین امور افراد است و نظارت دولتی نمی‌تواند روی آن وجود داشته باشد. خانواده‌ها می‌توانند به هزار دلیل و بهانه از این موضوع شانه خالی کنند و دولت هم نمی‌تواند برخوردی نماید.

۲. تولد فرزند و بزرگ کردن او باید از روی میل و رغبت باشد. ممکن است بتوان با اجبار و ایجاد هزینه، از تولد فرزند جلوگیری کرد. اما با اجبار نمی‌توان موجب تولد فرزند شد. مانند این است که کسی را به خواندن رشته خاصی مجبور کنند. تا زمانی که او به این رشته علاقه‌مند نشود، کارایی نخواهد داشت.

در کنار اجبار، حتی تشویق خانواده‌ها از طریق کمک هزینه‌های کودک و مانند آن، زمانی اثرگذار خواهد بود که خود آن‌ها به فرزند میل داشته باشند. اصولاً مشوق‌ها در کسانی کارگر خواهد بود که خود تمایل به فرزند داشته باشند. مانند تشویق به ادامه تحصیل جوانان در رشته‌های معین، زمانی اثرگذار است که خود نیز تمایل درونی به آن داشته باشند. والا حتی اگر آن را رشته را بخواهند، کارایی نخواهند داشت.

بدون تمایل درونی خانواده‌ها، سه اتفاق ممکن است برای مشوق‌های فرزندآوری بیافتد:

- نسبت فایده به هزینه مشوق‌های مادی باید بسیار متفاوت باشد که در این صورت هزینه‌های دولت بالا می‌رود.
- حتی اگر چنین هزینه‌هایی از سوی دولت تقبل شود، به محض آن‌که برداشته شود، دوباره جامعه سر جای اول خود برمی‌گردد. و این هزینه‌ها باید به‌گونه‌ای استفاده شود که فرزندآوری در میان مردم تبدیل به یک عادت شود.
- حتی اگر چنین هزینه‌هایی به صورت طولانی‌مدت از سوی دولت تقبل شود، بدون آنکه به عنصر فرهنگی توجه شود، ممکن است این مشوق‌ها کم اثر باشند؛ همان‌طور که تجربه کشورهای اروپایی این موضوع را نشان می‌دهد (OECD، ۲۰۰۷). دلیل آن هم در اروپا قوی شدن عنصر فرهنگی در مخالفت با فرزندآوری است. وقتی مخالفت درونی بسیار قوی می‌شود، حتی مشوق‌ها نیز نمی‌توانند کاری از پیش ببرند.